

# ستایش

## به نام کردگار

نه زرد زردند ← مفعول + مفعول

- ① حذف مفعولی نام کردگار **هفت افلاک** **دومنی** **اعزازی** **آفتاب** **مفعول** **مبارک** **مبارک** **مبارک**
- ② خدا را معنوی **فضل خود را یار ما کن** **توئی** **زاتی** **هر پیدای و پنجان**
- ③ الهی، **مفعول** **منه** **ما کن** **توئی** **زاتی** **هر پیدای و پنجان**
- ④ معنی و لغت **مید** **زهی گویا ز تو، کام و زبانه است**
- ⑤ **میرباید** **چو** **در وقت بحار آبی پدیدار** **منه**
- ⑥ **فروز** **رویت اندازی سوی خاک**
- ⑦ **حسن تغلیر** **گل از شوق تو خندان در بحار است**
- ⑧ **ناترانی در وصف** **هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی**
- ⑨ **نمی دانم، نمی دانم، الهی**
- ⑩ **توئی** **عم اشکارا، هم سخاوت**
- ⑪ **حقیقت**، **پرده برداری ز رخسار**
- ⑫ **عجایب** **نقش‌ها سازی سوی خاک**
- ⑬ **از آتش رنگ‌های بی شمار است**
- ⑭ **یقین** **داعم که بی شک، جان جانی**
- ⑮ **تو دانی و تو دانی آنچه خواهی**



## هفت معنی معنی اخباری

# تعلیمی ادبیات

۱

درس یکم: چشمه  
کار گاہ متن پژوهی  
گنج حکمت: خلاصہ دانش‌ها  
درس دوم: از آموختن، ننگ مدار  
کار گاہ متن پژوهی  
روان خوانی: دیوار

در این فصل، متن هایی را می خوانیم که در آنها شاعر یا نویسنده، خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز باز گو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته است؛ به این گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می گویند.

اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می کند. آثار تعلیمی می توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این گونه آثار ادبی، به ویژه در کتاب های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی) و برخی آثار طنز، جنبه تعلیمی دارند.



# درس نهم

## چشمه

مَدَّ عَظِيْمَةً

گشت یکی چش نهنگی جدا

۱

کینه / پهن

غلفه زن، چهره نما، تیزپا

گره دهان، برزده کف، چون حدف

۲ سرمه چشمه

۲

تاج سر گلبن و صحرا، نمم

گفت درین مسکه، یکتا منم

۳

تاج سر گلبن  
تاج سر نمم

بوسه زنده بر سر و بردوش من

چون بدوم، برزه در آغوش من

۴

عظیبه را سقاره / صهبان

چون بدوم، برزه در آغوش من

مفعول

جمله ای بعد از لغت

در سینه کفشتن، دیرین، غمخیزان استند

۹۰ از سجد و رگ  
و آبسه ساز مخزون



# کارگاه متن پژوهی

## قلمرو زبانی

- ۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.  
در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟  
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله
- ۲ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.  
«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن ، چهره نما ، تیز پا»

## قلمرو ادبی

- ۱ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
  - چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
  - گه به دهان، بر زده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
- ۲ با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟
- ۳ آمیختن دو یا چند حس، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند؛ مانند: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.»  
در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.
  - نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.
- ۴ هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می‌گویند. کلمه‌ای که در معنای غیرحقیقی به کار رفته باشد، «مجاز» نامیده می‌شود. مثال:

پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش سعدی

اصطلاح مترجم حرف زدن ←

همان طور که می دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در بیت اول به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن چین» تأکید دارد.

عش / قصه

اکنون به این بیت توجه نمایید: **تدیس برای بزرگی حصه**

■ بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید حافظا  
 در مصراع اول، واژه های «سر» و «دست» به ترتیب در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» و «قدرت و اختیار» به کار رفته اند.  
 ■ در شعر این درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

### قلمرو فکری

حیرت

۱ پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟  
 ۲ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در»

۳ سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید. **توانم**

صلی ۱۲

یکی قطره باران ز ابری چکید  
 خجل شد چو پهنای دریا بدید  
 که جایی که دریاست من کیستم؟  
 گر او هست حقا که من نیستم  
 چو خود را به چشم حقارت بدید  
 صدف در کنارش به جان پرورید  
 بلندی از آن یافت کاو پست شد  
 در نیستی کوفت تا هست شد

نتیجی فوری  
 ارزش غنای

۴ دوست دارید جای کدام یک از شخصیت های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟

برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

۵ .....  
[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## گنج حکمت خلاصه دانش‌ها

دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید و به او گفت: چرا به جای تحصیل علم، چوپانی می کنی؟  
 چوپان در جواب گفت: آنچه خلاصه دانش هاست، یاد گرفته‌ام.  
 دانشمند گفت: خلاصه دانش‌ها چیست؟  
 چوپان گفت: پنج چیز است:



- ✓ - تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم. *اصت راستی*
  - ✓ - تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم. *دوری از مال حرام*
  - ✓ - تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم. *سزایش عیب خودی / دوری از عیب*
  - ✓ - تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم. *بی نیازی از خلق / رزاق بودن خدا*
  - ✓ - تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم. *دوری از هوای نفس تا پایان عمر*
- دانشمند گفت: حقا که تمام علم را دریافته‌ای. هر کس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

داستان‌های صاحب‌دلان، به کوشش **محمدی اشتهاردی**

۹۰  
هینوا

گروه آموزشی عصر